

دایره بسته استیصال و ابتدال

متمم کردن انقلابیون به همکاری با سازمانها و دول خارجی اتمامی است که ساواک آنرا بمشابه ستون قائم تبلیغات خود قرار داده است، چون بنظر رژیم این تنها راهی است که وجود و مبارزه انقلابیون و مبارزه مسلحانه را نه منبسط از مبارزه طبقاتی و ضد امپریالیستی خلق ایران، بلکه ملهم از تحریکات خارجی قلمداد میکند.

در روزهای ۲۶ - ۲۸ اردیبهشت، مطابق با ۱۶ و ۱۸ ماه مه، جنبش مسلحانه خلق ما مورد پورش ارتجاع قرار گرفت و بنا بر ادعای رژیم، ۲۱ نفر از مبارزین به قتل رسیدند. واقعیت هر چه باشد، تردیدی نیست که این امر ضایعه‌ای محسوب میشود و پنهانی است که در مبارزه با فاشیسم پرداخت آن همیشه اجتناب پذیر نیست. ما نه از تعداد واقعی انقلابیون شهید یا دستگیر شدگان اطلاع دقیقی داریم و نه از تلفات دشمن و علل درگیری، ولی یک نکته را مسلم میدانیم و آن اینست که این بار نیز واقعیت خلاف آن چیزی نیست که رژیم «میگوید» و «بزرگواران» ما را «مقتول» گذشته، انواع حیلها و دروغهای رژیم بر ملا خواهد شد. اطلاعات کنونی ما با وجود آنکه کاملاً خلاف دعوی رژیم است ولی بقدر کافی دقیق نیست، ولذا هر نوع اظهار نظری را موقوف به کسب اطلاع دقیق از سازمانهای انقلابی درون کشور میکنیم، و در این جا صرفاً به افشاء پاره‌ای از حیل‌های رژیم در ارائه «مدارک و اسناد» قلابی می‌پردازیم.

رژیم در گذشته بارها از طریق مأمورین خود و احیاناً توسط مبارزینی که ضعف نشان داده و در خدمت او در آمده بودند اتهامات متعددی به انقلابیون و سازمانهای رزمنده «بر طبق مدارک و اسناد موجود» وارد میساخت، که هر بار چنانکه شایسته بود با استهزاء و تمسخر خلق مواجه میشد. سالها و بارها اتهام همکاری با دول عربی، سوسیالیستی، مرتجع و غیره مطرح شد. بارها و بارها اتهام «فساد و بی ناموسی»، دزدی و جنایت مطرح شد، ولی هر بار نیشخندی زهر آلود را بمشابه جواب خلق در یافت داشت، و مدارک و شواهد ادعائی او در همان آزمایشگاه‌های جعل اسناد ساواک بایگانی شد و هرگز روی آفتاب را بخود ندید.

اینبار اما، رژیم بخوبی خود زمینه را برای روکردن «اسنادش» آماده پنداشت، چه با ضربه اخیر ممکن بود که این شبهه برای کسانی پیدا شود که مبادا در واقع اسنادی بدست دشمن افتاده باشد. اگر این حیل می‌توانست در روی کاغذ موثر جلوه کند تنها بان خاطر بود که ساواک به میزان حقاقت خود آگاهی نداشت. کور دلان بسختی میتوانند احساس کوردلی کنند و حقایق نیز، و اینبار نیز مانند همیشه ساواک نتوانست از جلد خود بیرون آید و «اسنادش» را

همبستگی انقلابی

رژیم ایران برای انحراف افکار عمومی، پس از درگیرهای مسلحانه وسیع در ایران که تمدد و وسعت آن نشانه قدرت سازمانهای انقلابی و مسلح درون کشور میباشد، دست به تبلیغات همه جانبه‌ای زده است. از جمله این تبلیغات انتشار تحریف شده سخنان سخنگوی رسمی جبهه خلق برای آزادی فلسطین - در جواب به اتهامات اخیر رژیم - در روزنامه‌های رسمی رژیم بود. ما برای روشن شدن افکار عمومی و اشاره به این تحریف، متن کامل سخنان سخنگوی این جبهه را که توسط خبرگزاری روتیر به سراسر جهان بخاربه گردیده و در مجله الهدف (شماره ۳۵۳) ارگان این سازمان چاپ شده است بطور کامل نقل مینمایم:

جواب جبهه خلق برای آزادی فلسطین به ادعاهای رژیم ایران پس از اوجگیری مبارزه انقلابیون قهرمان علیه رژیم ارتجاعی و دست نشانده در ایران، رژیم شاه هیچ پنهانی پیدا نمی‌کند جز اینکه مسئولیت این مبارزه عظیم را که انقلابیون ایران به آن دست زده‌اند، بخردن نیروهای خارجی بيفکنند بصور اینکه از دست آورده‌های این مبارزه و رشد بایندگی و گرد آمدن توده‌های خلقهای ایران پیرامون این مبارزه بکاهد. بنابراین، این رژیم در بیانیه‌های رسمی خود ادعا میکند که جبهه خلق برای آزادی فلسطین و رژیم ملی لیبی هستند که از این مبارزه پشتیبانی و حمایت مینمایند. پیرامون این ادعاها، جبهه خلق مایل است نکات زیر را تأکید کند:

۱ - کمک خارجی به هر انقلابی نمیتواند جایگزین آمادگی خود توده برای انقلاب کردن شود و اوجگیری مبارزه انقلابیون ایران بطور اساسی بعلت پشتیبانی فعال توده‌های ایرانی و جمع شدنشان پیرامون مبارزه و خواستشان برای رها شدن از تسلط رژیم فئودالی ارتجاعی شاهنشاهی میباشد. ما بعنوان جبهه خلق برای آزادی فلسطین با وجود اینکه همیشه آماده‌ایم تا با جنبشهای انقلابی و بالطبع با رفقای انقلابی در ایران، پیمان همبستگی ثابت و دائمی ببندیم ولی به هیچ وجه معتقد نیستیم که تنها این همبستگی رفقا را به انقلاب کردن قادر میسازد.

۲ - چیزیکه جالب توجه است، اینکه مجله امریکائی نیوزویک، دو هفته قبل از درگیریهای اخیر در ایران و بدون هیچ مناسبتی مینویسد که جبهه خلق از انقلابیون پشتیبانی و به آنها کمک می‌رساند. مثل اینکه میخواهد از حوادث گامی جلوتر باشد و وانمود کند که مشکلات آینده رژیم ایران، مشکلاتی است که از خارج مینمایند، نه از توده‌های انقلابی ایران.

۳ - ما به همبستگی انقلابی بین تمام جنبشهای آزادیبخش و بالطبع بین جنبش آزادیبخش ملی عرب و جنبش آزادیبخش خلقهای ایران افتخار میکنیم.

بنا بر غریزه قیاس بنفس، با همان درجه از کوتاه بینی و حماقت جبلی خود تهیه بنیند. حماقت و اشتباهات ساواک در تهیه این «اسناد» بقدری واضح است که یک جو آشنائی به طرز کار سازمانهای داخل برای انسانهای معمولی نیز برای تشخیص آن کافیت است، و اگر ما در اینجا به پاره‌ای از آنها اشاره میکنیم نه بخاطر اینست که معتقدیم هیچ انسان با شعوری در عدم اصالت آنها شکی کرده است، بلکه از این نظر است که نشان دهنم ساواک «قدر قدرت» تاچه حد عقب افتاده و زبون است، و هنگامی نیز که از فرط استیصال تکاپو و تلاشی میکند به چه وظیفه‌ای از ابتدال سقوط مینماید.

در «اسناد» رژیم هر آنچه که ساواک سالها میگفته، یکجا، خلاصه و مفید از «قلم» انقلابیون تحویل خلابستی داده شده است و پیداست که این حقایق حتی نتوانستند در

بقیه در صفحه ۲

اخبار

رژیم ایران در تاریخ ۱۲ اردیبهشت مطابق با ۲ ماه مه اعتراف به درگیری مسلحانه‌ای در یکی از خیابانهای تهران نمود. در این درگیری رفقا گریسوز برومند و خسرو صفاری به شهادت رسیده‌اند. رفقا گریسوز برومند (که چند سالی نیز در زندان بوده است) و خسرو صفاری که سالها از فعالین کنفدراسیون جهانی بوده‌اند، از مبارزین قدیمی و پرسابقه جنبش انقلابی ایران میباشند. ما یاد این رفقا و همه شهدای جنبش خلق را گرامی میداریم.

* با حثال زیاد رفیق فدائی حمید منومنی که خبر درگیری او را قبلاً منتشر کردیم شهید شده است ولی این احتمال هنوز قطعی نیست دولت ایران تاکنون این مسئله را مخفی نگاه داشته و هیچگونه خبری منتشر نکرده است. ضروری است فعالیت و تماس با سازمانهای مترقی و انجمن‌های نویسندگان توسعه یابد تا دولت ایران مجبور به شکستن سکوت خود شود.

* زد و خورد‌های اخیر در تهران و نواحی شمالی، که در آن بر طبق ادعای رژیم منجر به شهادت ۲۱ انقلابی از

بقیه در صفحه ۴

این حق مسلم توده‌هاست که خشونت پیرایسیم را با خشونت انقلابی پاسخ دهند

میرم به چهار صفحه منتشره لا اقل یکی هوشناهم یا سابقه را از قلم بیدان از تو کوی کوتاه بیایند! فرصت! نظریه آنها طلائی بوده و تا تصور گرم بود باید تمام فواید نهایی بیانات چسبانده میشد. طبق این اسناد، انقلابیون هر آنچیزی را که رژیم در گذشته گفته و در آینده میخواهد بگوید، جمعبندی شده طی سه چهار صفحه بخط خوش، آماده برای «کشف» شدن در خانه‌های تیمی نگاه داشته بودند و برای رسیدن ساواک از آبان ماه (تاریخ نامه اول) تا کتون روز شماری میکردند! و از قضا یا وجودی که مطابق ادعای خود رژیم انقلابیون اسناد را سوزانده بودند، تمام صفحاتی که بدر رژیم میخورد، بدون يك خال، باقی ماندند و بزینت طبع آراسته شدند. کاش (ا) کسی میخواهد این خواب و خیال رژیم را باور کند و باور کردن همین يك قطره حقاقت بسیار میخواهد.

منتهم کردن انقلابیون به همکاری با سازمانها و دول خارجی ایجابی است که ساواک آثار بنیادین ستون قائم تبلیغات خود قرار داده است چون بنظر رژیم این تنها راهی است که وجود و مبارزه انقلابیون و مبارزه مسلحانه را در نه منتهم از مبارزه طبقاتی و ضد امپریالیستی خلق ایران، بلکه معلم از تجربیات خارجی قلمداد میکند. این «الهام دهندگان» روزی کشورهایی بی نام و نشان، زمانی عراق گاهی مصر، سپس یمن و اکنون لیبی بوده اند. زمانی بر حسب موقعیت جغرافیایی کشور مورد بحث، در نمایشنامه های رژیم، انقلابیون به دهکده های مرزی حمله میکردند و امروز نیز با کشتی از تنگه هرمز عبور میکنند و اسلحه های «دریافتی» را یکجا به خیر نگاران کیهان و اطلاعات تحویل میدهند. اگر باور کردنی بود، بد حیلای نبود، ولی احمقانه تر از آنست که پذیرفتنی باشد، تا گفته نماند که بنابر گفته ساواک، البته در کنار این دول همیشه سایه کونینم بین المللیل بچشم میخورد و از قیامی که میشود است کونینم بین المللی در لیبی هم نفوذ کرده است و از آن طریق به انقلابیون ایران کمک میسازد حال اگر بنا بر همان «سند» رژیم، لیبی کشوری شدیداً مذهبی است و باید انقلابیون ایران به رهبران آن نصیحت کنند که دست از راه و روش خود بردارند (ا) این را دیگر باید ندیده گرفت، چون حقاقت رژیم بیش از حد آشکار میشود. اگر آنها باور کردند نیست و معهدا ابراز میشود، بخاطر اینست که ساواک هیچگاه نتوانسته و نخواهد توانست از حقاقت ذاتی خود رهائی یابد و یا لا اقل برای فریب حقیقه کوشش و تقلاتی مذبحانه نکند.

انقلابیون ایران با درس آموزی از تجارب گذشته ایران و سایر انقلابهای جهان، از همان آغاز مبارزه مسلحانه با این مسئله اعتقاد داشته اند که باید قادر شوند که همه چیز و حتی پیچیده ترین سلاح های مورد نیاز خود را در ایران تهیه کنند و در اجرای این اعتقاد به کسب دستاورد هایی باثبات شدند که براساس جنبشی به جوانی جنبش مسلحانه ایران بزرگ بود. چریکهای فدائی خلق، تا آنجا که میدانم اولین سازمان چریکی جهان بودند که قادر شدند با مصالح موجود در ایران نارنجک بسازند و بسا این دستاورد را دو سال پیش اعلام کردیم، معهدا این امر مانع از این نشد که مطابق «اسناد» ساواک، چند حمله انار (نارنجک!) از طرف دول خارجی در خاک ایران تحویل انقلابیون داده نشود. ساواک قاعده ها فکر کرده است که ساختن نارنجک توسط انقلابیون ایران را همه نمیدانند و این «اسناد» هم برای آن نادانان است و بنابر این قابل باور!

اسنادی که در جنگ ظفار توسط انقلابیون آن منطقه از ارتش ایران گرفته شد نشان داد که ارتش ایران حتی در تهیه و رمزهای و نظامی اش قادر نیست از حد شعور يك طفل خردسال فراتر رود. مطابق این رمزها، «فرشته» بمعنای دوست و «شیطان» بمعنای دشمن بود، یعنی حتی در رمز هم شباهت رعایت میشد. دقیقاً همین میوان شعور یا بی شعوری، در تهیه این «اسناد» سازالهم اوعاقت

شده است. «عصا» بمعنای مسلسل، عصای کوتاه بمعنای هفت تیر و انار بمعنای نارنجک است. دوست سخاوتمند شجاع صریح، معمر قزاقی، و آفیش امپریالیستی دلار ... است! آیا این میزان سفاقت، چیزی جز قیاس بنفس ساواکی، و در محدوده همان شعور حقیر را میسازد؟ معهدا ساواک نتوانسته است در «اسناد» خود همین حد «رمز» احمقانه را نیز تحمل کند و برای شرفهم کردن اسم الحقی الحقیه آوردن اسم دوست (ا) شهسود نوروزی و خشایار و یوسف رزکار را با صراحت تمام مجاز دانسته است.

در هر دو «سند» بیکرهای خیالی با اسم «تیم ثنوریک» (ا) شرف وجود یافته است که قطعا مطابق تقسیم بندی داخلی ساواک کار اداره هفتم سازمان امنیت را میکنند و بر نادان مکشف میکنند که سازمانهای سیاسی نظامی، «تیم ثنوریک» دارند سوای بدنه کلی سازمان و تیمی دارند که کارش صدور تئوری از اطاقهای در بسته برای سازمان است. معهدا باید گفت که باحتال زیاد کار این «تیم ثنوریک» ش ساخته با اینچا ختم نمیشود و با حقاقتی که در ساواک سراغ داریم باید منتظر شاه کارهای جدیدی در این زمینه باشیم.

در این اسناد البته فراموش نشده است که مسئله خلیج فارس و خلیج عربی مطرح شود (چگونه میتوانست فراموش شود؟) و از زبان انقلابیون ایران سیاست رژیم ایران با ورود از در عقب تأیید نشود و این خود البته داستان سابقه داری است!

موارد ابتذال و تناقض در این «اسناد» محدی است که براساس چندش آور است. باید این «اسناد» کثیف را در جوار «اسناد» مشابه دیگری مانند «مأموریت من برای وطن» و «انقلاب سفید» و نظائر آن قرار داد تا معلوم شود که در سفاقت و بیپایگی است کسه با یکدیگر همسری میکنند.

ما اطمینان داریم که سازمانهای انقلابی درون کشور با دقت بسیار بیشتر از ما، مانند گذشته یکبارگی این توطئه های رژیم را افشاء خواهند کرد. آشنائی ما با نحوه کار درونی سازمانهای انقلابی بان حدی نیست که بتوانیم در باره وجود تخمیلی یا واقعی فردی بنام اکبر یا اعدام سه نفر اظهار رای کنیم، ولی به دو مسئله ایمان داریم و آن اینست که اولاً اظهار مطالب اخیر در «سند» سراپا جعلی، و به نحوی که ابراز شده است توطئه کثیفی است بوزات سایر توطئه های ساواک، وثانیاً سازمانهای انقلابی این مسئله را مانند سایر موارد روشن خواهند کرد. آنچه اکنون از روز روشن تر است اینست که این «اسناد» در خور و شایسته سازمانهای ساواک مانند است و بس.

رشد جنبش مسلحانه ایران و همگامی انقلابیون منطقه از ظفار تا فلسطین تا ترکیه ... با جنبش ایران، چشم دشمن خلقهای ایران، رژیم سفاک شاه راه چنان از فرط خشم کور کرده است که مانند فریق به هر خس و خاشاکی متوسل میشود، کشتار میکند، اتهام میزند، «سند» جعل میکند و بالاخره به ادعای مضحک «کشف» ارتباط انقلابیون ایران و جهان مبادرت می کند تا شاید رسوائی خود را بیوشاند و لحظه ای بیشتر در خدمت اربابان امپریالیست خود باقی بماند. همکاری انقلابیون ایران با سایر انقلابیون منطقه حق قبل از آغاز جنبش مسلحانه در ایران شروع شد و حماسه آفرینانی مانند علی اکبر صفائی فراهانی (ابو عباس) پیوندی مستحکم در این راه بوجود آوردند. پیوندی که در رابطه با انقلاب دیگری، با شهادت انقلابی رفقا فرهاد سپهری، رفعت افراز و محمد علی خسروی اردبیلی استعگامی جاودانه یافت، پیوند با شکوهی که تظاهر خارجی آن بصورت انتشار اعلامیه های مشترک و مقالات و مصاحبه ها و کتب در سطح جهانی انعکاس وسیع یافت و ما نیز بکرات آنها را اعلام کردیم (در بسیاری از شماره های باختر امروز بخصوص شماره های ۶۳ و ۷۰ که کلا باین منظور اختصاص یافته بود)، ولی سناریوی رژیم حکم میکرد که چنین وانمود

کند که این ارتباط تا کتون «نخفی» بوده است و اکنون بیمن فراست ساواک از طریق «اسنادی» که بدست آمده «کشف» شده است. زهی بیشرمی حقاقت آمیز!!

اما ما میدانیم، و رژیم نیز اگر هنوز تردیدی داشته باشد بزودی خواهد فهمید، که دوران فریبها و غیانتها بسر آمده است. همه فهمیده اند و او نیز خواهد فهمید که نه این «اسناد» به حیثیت سازمانهای انقلابی لطمه ای میزند و نه این کشتارها عزم انقلابیون را سست میکند. هر انقلابی از پای افتاده، الهام بخش دهها انقلابی راستین خواهد شد و هر خون ریخته، سیلابی که بنیاد رژیم را بر خواهد انداخت. تجربه سالهای گذشته دیگر برای هیچ ذبشعوری جای تردید باقی نگذاشته است که مبارزه ای که شروع شده هر روز اوج خواهد گرفت و گسترده تر خواهد شد، و اگر پهای این گسترده گی، در لحظاتی از دیاد ضربه پذیری باشد، هیچ واقعه ای نخواهد توانست این موج رو بفزون را جلو بگذرد و از پیوند هر چه بیشتر انقلابیون و توده ها بکاهد. دیروز شاه بخمال خود با «شاگرد آشنوهایش» به جنگ می آمد، امروز هلیکوپتر و تانک و توپ و بسیج هزاران مزدور را بخدمت میگیرد و تازه این هنوز آغاز کار است.

امروز وظیفه ماست که کوشش خود را برای افشاء هر چه بیشتر رژیم و حمایت هر چه گسترده تر از سازمانهای انقلابی کشور مضاعف کنیم و با تمام قوا به میدان نبرد خونینی که بین انقلاب و ارتجاع، انسانیت و توحش، آزادی و اسارت، درگیر است بپیوندیم. پیروزی از آن ماست.

پیروز باد مبارزات انقلابی خلقهای ایران
ظفر مند باد مبارزه مسلحانه سازمانهای انقلابی
مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع و دسانس آنها

همبستگی ارتجاعی

حوادث لبنان فرصتی بود برای ابراز همبستگی بنین تمام نیروهای ارتجاعی منطقه. در طرح «جامع امپریالیستها» برای سر کوبی جنبش ملی و چپ لبنان و مقاومت فلسطین برای تمام مهربه های ارتجاعی خاورمیانه نقشهای مهمی در نظر گرفته شده بود. و از آن جمله اند:

۱- کمک مستقیم تسلیحاتی و مالی اسرائیل به فلازنویستها از طریق بندر جونیه. در جریان زد و خورد ها مقادیر زیادی اسلحه و مهمات ساخت اسرائیل توسط نیروهای چپ و جنبش مقاومت ضبط گردید که همگی نشانه ای از این کمک مستقیم است.

۲- کمک تسلیحاتی و مالی و تجسسی اردن به نیروهای راستگرا. اردن چه از طریق بندر جونیه و چه اخیراً از راه زمینی - با موافقت سوریه - مقادیر زیادی اسلحه در اختیار نیروهای راستگرا گذاشته است، فلازنویستها دارای چند پایگاه تعلیماتی در اردن هستند و افسران اردنی در هدایت واحدهای جنگی و توپخانه های آنان نقش مهمی را ایفا میکنند. اردن پس از کشف ارتباط با فلازنویستها و برای فریب افکار عمومی مقداری دارو برای «هلال احمر» فلسطینی فرستاد تا بد بتوسیه «دوستی عمیق» خود را به خلق فلسطین ثابت نماید.

۳- پشتیبانی تسلیحاتی و تبلیغاتی مصر از فلازنویستها که بخصوص در اوائل جنگ از شدت بیشتری برخوردار بود. مصر امروزه به علت بعضی اختلافات خود با سوریه بناچار در لباس «دوست» در کنار انقلاب فلسطین موضع گرفته است، موضعی که تعیین کننده منافع مرحله ای حکومت ارتجاعی انور سادات میباشد.

۴- کمکهای سوریه به راستگراها به شرکت غیر

با احترام امروز

BAKHTAR EMROOZ No. 73 MAY. 1976 VOL IV

اخبار

سازمان چریکهای خلق گردید، جزئی از زد و خوردهائی است که در گوشه و کنار ایران جریان دارد. طبق اطلاعات واصله روز یا هفته ای نیست که برخورد مسلحانه ای در گوشه ای از ایران بوقوع نیبوند. آنچه در روزنامه های رژیم راه پیدا میکند آن جزء از حقیقت است که دیگر رژیم نمیتواند کتان کند. رژیم با تدابیر جدید سعی در ریشه کن کردن جنبش مسلحانه خلق دارد و در این راه حق طبق اتراف بمبله امریکائی نیوزویک و رادیو بی بی سی لندن از همکاری عملی و مشورت نزدیک مامورین سیار خوددار است. آنچه مسلم است که زد و خوردهای اخیر نه تنها باعث تضعیف روحیه خلق نگردیده است بلکه مردم با شور و شغف فراوان، اخبار مربوط به درگیری ها را دهان بدهان نقل میکنند، و رژیم درمانده از این موج مردمی بناچار دست به آن مصاحبه های کذابی با همسایگان و شاهدان زد و خوردها زده است.

از تدابیر جدید رژیم در مبارزه با خرابکاران، کنترل هر چه بیشتر وسائل ارتباط جمعی است. رژیم پس از زد و خوردهای اخیر، برای بدست آوردن «رد هائی» و با احتیاط «سندی» جدید، دست به کنترل شدید نامه هائی که با خارج رد و بدل میشود، زده است. ضمناً کنترل تلفن های محدوده تهران و ارتباط کاربر با خارج از کشور و بین شهرها را (که اخیراً مستقیم انجام میگردد) نیز شدیداً افزایش یافته است.

خبر گزارهای جهان در ۱۴ اردیبهشت مطابق با چهارم ماه مه خبر سقوط هواپیمای بوئینگ ۷۴۷ نیروی هوائی ایران را در یکی از شهرهای اسپانیا!!! و قتل کلیه سرنشینان آن اعلام نمودند. هواپیمای حامل ۱۷ سرنشین (۴ امریکائی و ۱۳ ایرانی) عازم امریکا بوده است. رژیم نیز از درج مفصل جزئیات این خبر خودداری کرده است!!! قابل ذکر است که از جمله موارد قراردادهای ایران و ایالات متحده آموزش افسران ایرانی در موارد مختلف نظامی، پلیسی و تجسی است.

منگام انعقاد کنفرانس ستو و سفر شاه به ترکیه، بم بزرگی در مرکز هواپیمائی ملی ایران (هما) در شهر استانبول منفجر گردید که باعث آتش گرفتن مرکز شرکت و ایجاد ضررهای مادی فراوان گردید. تاکنون هیچ سازمانی مسئولیت این انفجار را بعهده نگرفته است.

طی ماه های گذشته اقدامات مفید و ارزنده ای از طرف دانشجویان ایرانی خارج از کشور در حمایت از جنبش خلق ایران و سازمانهای انقلابی آن انجام گرفته که شایان ذکر است.

کارزار دفاعی وسیع در اروپا و امریکا ابعاد جدیدی یافته و منجر به اقدامات و ابتکارات جالب توجهی شده است. علاوه بر تظاهرات و اعتصاب غذا و راهپیمائی های متعدد به پاره ای از ابتکارات جالب اقدام شده است، از این جمله اند: بسیج دانشجویان و استادان چند دانشگاه در مریلند و واشنگتن و اعطای لوح افتخار به چریک فدائی

اسیر فاطمه سمیدی (شایگان)، اشغال سرکز خبر گذاری پارس در اروپا (پاریس) و سفارت ایران در بن و بالاخص اشغال سئاد فرماندهی سازمان ^{اقتضای} ایران در اروپا (که تحت پوشش کنسولگری ایران در ژنو کار میکند). اقدام اخیر از جهت پاره ای دستاوردها بکلی بینظیر بوده است و فاکت های بدست آمده در پیشبرد مبارزه علیه ساواک و افشاء مناسبات آن بسیار موثر خواهد بود.

این اقدامات علاوه بر افشاء رژیم، در افشاء پاره ای از حرکت های تصنعی و زبانه که سعی در انصراف و انحراف افکار عمومی جهان از جنبش انقلابی مبارزه جویانه ایران، و هدایت آن در جهات تسلیم طلبانه و قابل تحمل برای رژیم دارند (و از این جمله است حرکتی که توسط شخصی بنام رضا براهنی، یکی از نویسندگان بی معنوی و پسر سروصدای ایران که در مقابل فشار تسلیم رژیم شد، در امریکا براه افتاده است) نیز بسیار موثر خواهد بود چون بقرار اطلاع چندینست که رژیم ایران مجدداً بطور فعال در تکاپوی پیدا کردن آلترناتیو «متبادل» در مقابل جنبش انقلابی ایران است. درج بی تفسیر نطق های ارجح اسکندری در مجلات ایران، منتسب کردن علت قطع رابطه دیپلماتیک با کوبا به ملاقات فیدل کاسترو با «رهبران حزب» (و کتان دلایل واقعی این قطع رابطه که ما درباره آن خواهیم نوشت) و بالاخره تحمل مسافرت های رضا براهنی به ایران، اجازه انتشار خاطرات تفرج آمیز زندان به آذین و ده ها اقدام دیگر همه نمونه هائی هستند از تلاش رژیم ایران در جستجوی «آلترناتیو» و تبلیغ برای آن در مقابل مبارزات انقلابی خلق.

بنابراین علاوه بر ضرورت همیشگی اقدامات قاطعانه و رزجویانه در دفاع از مبارزات خلق و افشاء ماهیت رژیم ایران، ضرورت افشاء چهره ها و حرکات سازشکار در خارج از کشور نیز برای دانشجویان ایرانی مطرح است. اقدامات اخیر کنفدراسیون در این جهات متفاوت، بسیار سودمند و با ارزش بوده است.

ما بارها تذکر داده ایم قبل از دریافت خبر موثق، اخبار جراند ایران در مورد دستگیری ها یا زد و خوردها را منتشر نمی کنیم چه مکرراً مشاهده شده است که رژیم اخبار و حق اسامی انقلابیون را بگونه ای تحریف میکنند که درج مجدد آن از طرف ما میتواند موجب تشویش افهان شود. رژیم در تاریخ ۶ بهمن خبر درگیری تبریز و شهادت ۵ چریک فدائی خلق را منتشر کرد. ما پس از دریافت این خبر از منابع موثق و تأیید تعداد کشته شدگان، ولی قبل از در دست داشتن اسامی آنان، خبر مذکور را در شماره ۷۱ باختر امروز درج نمودیم.

اکنون مطلع شدیم که خبر کشته شدن شخصی بنام رضا یثربی در این درگیری که از طرف رژیم منتشر شد صحت نداشته و این نام را رژیم برای رد گم کردن منتشر کرده است. ما از ذکر این گوی انگیزه های رژیم در این مورد بی اطلاعیم ولی فرصت را برای تصحیح خبر مذکور و دادن هشدار در مورد انتشار اخبار تأیید نشده مناسب می بینیم.

استفسارات و توضیحات متعدده در مورد درج مقالات دکتر علی شریعتی در روزنامه های رژیم ما را بر آن داشت که توضیح زیر را برای روشن شدن افکار بدهم:

درج مقالات دکتر شریعتی در کیهان بدون اجازه وی و توام با دستکاری و تحریف پاره هسای از آن بوده است. انگیزه رژیم در گل آلود کردن آب و استفاده از «فرصت مناسب» بدیهی تر از آنست که احتیاج به توضیح مفصل داشته باشد، رژیم میخواهد که از بگ جانب دکتر شریعتی را در نظر عده ای بد نام و تسلیم طلب جلوه دهد و از جانب

انتشارات انقلابی

توسعه کار انتشاراتی ما در سال گذشته سئوالاتی را برای عده ای از خوانندگان مطرح کرده است و بنابر این توضیح زیر را برای روشن کردن پاره ای از جوانب و مشکلات کار انتشاراتی مفید می بینم:

۱- ما تا سال گذشته لیست انتشارات سازمان خود و پاره ای از انتشارات سازمانهای انقلابی در درون کشور را منتشر میکردیم تا خوانندگان گانی که ما میل بدریافت این کتب باشند با ما تماس بگیرند، اشکالاتی که در امر ارسال کتب توسط پست پیش می آمد، و نادر بودن نسخ پاره ای از آنها، موجب شد که ما سیستم بخش دیگری انتخاب کنیم. از طرف دیگر ما گاه پس از اطلاع از چاپ کتابی در داخل کشور، انتشار آنرا توسط سازمان مربوطه اعلام میکردیم ولی:

۲- در مواردی رفقای داخل کشور انتشار وسیع نوشته خود را در خارج مناسب ندیدند این موارد عبارت بودند از کتب راهنمای جنگ چریکی شهری فن مبارزه چریکی از سازمان چریکهای فدائی خلق و ۳ کتاب فشننگ بقیه در صفحه ۳

دیگر با استفاده از محبوبیت او در میان اقشاری، آنان را به موضعگیری ضد کونینستی بکشاند. خوشبختانه محافل مترقی و مبارز ایران با تکتیکهای رژیم آگاهی دارند و در مقابل این توطئه نیز موضعگیری صحیح کرده اند.

امیر تیمور کلانی سومین فرد مؤثر از یکی از جناح های هیئت حاکمه است که اخیراً بقتل رسیده است. بدنبال تشدید بر خوردها و تضادهای درونی طبقه حاکمه که در باختر امروز بان (و قتل ناصر عاملی دبیر کل حزب مردم) اشاره شد، ابو الحسن ابتهاج رئیس سابق سازمان برنامه و رئیس بانک ایرانیان نیز در «تصادف اتوموبیل» کشته شد، و بالاخره فرد سوم، امیر تیمور کلانی که سفیر ایران در لندن بود در همین رابطه بفاصله کوتاهی مغضوب، معزول و سپس مقتول شد. در مورد اخیر دولت ایران حق قبل از اظهار سفارت ایران اعلام کرد که وی خود کشی نموده است و سپس تلاش وسیعی را برای جاوگیری از کالبد شکافی وی بعمل آورد و بالاخره با کاپیتولا سیون دولت انگلیس (۱) توانست تحت عنوان مسخره ای جنازه او را بدون کالبد شکافی بایران حمل کند. بهانه دولت ایران «مصونیت دیپلماتیک» وی بوده است. ما تصور میکردیم که سفیر ایران «مصونیت» دارد ولی اظهارات دولت ایران نشان میدهد که قائلین او هم «مصونیت» داشته اند. عدم اقدام به کالبد شکافی مقتول، به بهانه مصونیت او، معرف میزان حماقت رژیم و احق پنداشتن دیگران است. رژیم ایران این بار نیز نتوانست مسئله را طبیعی جلوه دهد. این اقدامات رژیم نشان میدهد که فاشیسم پهلوی مانند هر نوع فاشیسم دیگر، نه تنها در مقابله با خلق به قهر متوسل میشود بلکه حتی با تضادهای درونی خود نیز باین وسیله روبرو میگردد. و اینجاست که میزان سفاقت کسانی که تصور میکنند اگر انقلابیون اسلحه را بزمن بگذارند رژیم نیز کوتاه خواهد آمد بیش از پیش روشن میگردد. کشتار چندین مبارز غیر مسلح در سالهای گذشته دلیل باندازه کافی روشن در جبری بودن قهر در رابطه با رژیم ایران بود. شاید کشتار جناح های دیگر طبقه حاکمه، برای عده ای خود فریب و مردم فریب دلیل قانع کننده تری بر صحت این امر باشد.

گرامی باد اول ماه مه روز همبستگی کارگران جهان